

مجالس منطقه‌ای حلقه مفقوده سیستم قانون‌گذاری در ایران

دکتر عبدالرضا فرجی راد^۱، دکتر زهرا پیشگاهی فرد^۲، جعفر حساری نژاد^{۳*}

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

^۳ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۴

چکیده

نظام قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران به دلیل ضرورت انطباق مصوبات مجلس با احکام اسلامی از الگوی خاصی تبعیت می‌کند. در هم‌عرض مجلس شورای اسلامی، مجالس نظارتی و تصمیم‌گیری دیگری از جمله شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... نیز وجود دارد. با توجه به وضعیت فعلی سازماندهی سیاسی فضا در حوزه قانون‌گذاری و مشکلات فعلی در این سیستم از جمله ماهیت دو گانه نمایندگی، رویه انتخاب نمایندگان برای کمیسیون‌های تخصصی مجلس، عدم آشنایی نمایندگان جدید با روند قانون‌گذاری و عدم ساختار مناسب جهت نظارت بر مصوبات شوراهای اسلامی شهرها که برابر اصول قانون اساسی از وظایف شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی می‌باشد، سبب گردیده است که روند قانون‌گذاری کند و از استحکام لازم برخوردار نباشد. برای رفع محدودیت‌های مطرح شده و استفاده مناسب از ظرفیت‌های قانون اساسی و انجام تکالیف مقرر در خصوص ضرورت تنقیح قوانین و مقررات توسط مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، ساختار قانون‌گذاری حد فاصل شوراهای اسلامی شهر و روستا و مجلس شورای اسلامی طراحی و پیشنهاد می‌گردد تا به عنوان مجالس منطقه‌ای (ایالتی) ضمن انجام وظایف نظارتی و برنامه‌ریزی در منطقه، امکان استفاده از مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، استفاده مناسب از منابع محلی، هدایت بودجه‌های ملی به طرح‌های مورد نیاز مردم، جذب و بکارگیری سرمایه‌های اجتماعی و مالی در جهت پیاده‌سازی توسعه پایدار و نظارت و تنقیح مصوبات شوراهای اسلامی شهرها را بعهده گیرد. و با شرایط و وظایف واگذار شده به ایفای نقش در جهت رفع محدودیت‌های فعلی و تقویت نهاد قانون‌گذاری در انجام مناسب وظایف بپردازد.

کلید واژه‌ها: قوه مقننه، مجالس منطقه‌ای، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، توسعه سیاسی

مقدمه

توزیع فضایی و سازماندهی سیاسی فضا در ایران، با اهداف آرمانی ملت و با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در یک راستا قرار نمی‌گیرد. از آنجایی که بخش زیادی از بودجه کشور صرف هزینه‌های جاری ناشی از بالا بردن سطح تقسیمات کشوری می‌گردد، ضروری است به منظور افزایش رضایت مندی اقوام و مردم نواحی مختلف، امکان افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور را از طریق برقراری نظام غیر متمرکز میسر نمود. حکومت داری در نظام غیر متمرکز باعث توانمندسازی، تسهیل‌گری، ظرفیت‌سازی، افزایش حمایت‌های مردمی و قدرت میانجی‌گری می‌گردد. با تعدیل فضای قدرت می‌توان ضمن گسترش مشارکت مردمی، و افزایش حس تعلق مکانی، امکان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را برای مردم هر منطقه فراهم نمود.

مبانی نظری تحقیق

از نظر جغرافی دانان رادیکال، عامل «تولید و روابط تولیدی»، اساس سازمان فضایی محسوب می‌شود. فضا از نظر مردم مکان‌های مختلف و مفاهیم مختلفی دارد. در این ادراک، باورها، عقاید، ایدئولوژی‌ها، ویژگی‌های فرهنگی، سطح آگاهی و بطور کلی تفکر آنها نقش قاطع دارد (پور موسوی: ۱۳۸۷). مانوئل کستلز از اولین محققانی است که دیدگاه ساختی را وارد ادبیات جغرافیایی کرد و این کار را در سال ۱۹۷۷ با انتشار کتاب "مسائل شهری" انجام داد. از نظر کستلز، نظریه فضا، بخش یکپارچه نظریه اجتماعی است. در این نظریه، کاستلز از مفهوم شیوه‌های تولید و عوامل سازنده شیوه‌های تولید که از طرف لویی آلتوسر مطرح شد، بسیار مدد می‌گیرد. او در جهت تحلیل فضا، به مثابه یک تعبیر از مجموعه ساخت اجتماعی، معتقد است عامل شکل‌گیری فضا (یعنی شرایط نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام ایدئولوژیک) و پیوندهای این عوامل سه گانه، نیز عملکردهای اجتماعی ناشی از آنها را به روشنی تبیین می‌نماید. توسعه منطقه‌ای در گروهی پیوند اندام وار اقدامات در دو سطح ملی و محلی در فضای واسط آنها که همان منطقه است، خواهد بود (صرافی، ۱۳۷۷). توسعه منطقه‌ای فرایندی است آگاهانه و هدفمند جهت هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی - کالبدی با نیازها، امکانات و محدودیت‌های محلی در راستای تحقق توسعه ملی که در این رابطه از مشارکت مردم در اجرا استفاده شده و در نهایت درگیر کردن مناطق در فرآیند کلی توسعه در بعد کشور مد نظر است (فنی، ۱۳۷۵). از جمله شاخص‌های تاثیرگذار در تقسیم بندی سیاسی کشور می‌توان به شاخص جمعیت، روابط فاصله‌ای، همگنی طبیعی و فرهنگی مناطق، شیوه یا سبک معیشت ساکنان، حوزه نفوذ مکان‌های مرکزی، ضرورت‌های ویژه امنیتی و اندیشه‌های استراتژیک دولت اشاره کرد (کریمی پور، ۱۳۸۱). کلیت یک ناحیه تنها باید در یک قطعه باشد به نحوی که هر شخص برای سفر به تمام نقاط یک ناحیه تنها در درون آن ناحیه عبور کرده و از ناحیه دیگری عبور نکند (عاملی، ۱۳۸۲: ۶۰). توسعه منطقه‌ای و سازماندهی سیاسی فضا: فرایند جامعی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد که هدف آن بهبود شرایط زندگی آحاد جامعه، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منافع و امکانات است (Attefeld, Barry, 94). مهم‌ترین موضوع در تعریف توسعه، محوریت بودن انسان است (Abrahamson, 1997). یکی از عوامل تاثیرگذار در مدیریت سرزمین، منابع و چگونگی مدیریت و بهره‌برداری از آن می‌باشد. آنچه که در امر سازماندهی سیاسی سرزمین اهمیت بسزایی

داشته، ارتباط میان منابع موجود و اندازه و سطح عملکردی واحدهای تقسیماتی است. (طرح جامع تقسیمات کشوری، ۱۰۹). ریزتر کردن این شاخص به معیارهای زبانی، قومی و مذهبی، کارایی بیشتری خواهد داشت. چرا که این شاخص در نقاط مختلف ایران به شدت نشان دهنده تفاوت‌های قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی می‌باشد. با وجود اینکه همه این اقوام به ایرانی بودن خود معترف هستند ولی در عمل نمی‌توان به صرف این عقیده، تفاوت‌های بیان شده را نادیده گرفت. به نظر «تامپسون و مولنارس» در جامعه‌ای که گروه‌های مختلف قومی با فرهنگ‌های متفاوت زندگی می‌کنند نمی‌توان به دموکراسی و انسجام اجتماعی دست یافت، مگر از طریق حضور همه جانبه همه اقوام و این حضور فقط در چهارچوب پلورالیسم یا کثرت فرهنگی امکان پذیر است. «وایلدافسکی» این امر را در قالب تئوری فرهنگ‌ها تبیین می‌کند. به نظر وی، تعداد افراد گروه قومی در کیفیت و میزان تأثیر و نفوذ آن قوم در جامعه نقش تعیین کننده ندارد، آنچه اهمیت دارد وزن و سهم فرهنگ هر گروه قومی در جامعه است. اگر این سهم و وزن برای همه گروه‌ها یکسان باشد، امکان دستیابی به انسجام اجتماعی فراهم می‌گردد. در غیر این صورت نه تنها انسجام و همبستگی اجتماعی میسر نمی‌گردد، بلکه به استقرار نیافتن دموکراسی و بروز بحران ارزشی نیز خواهد انجامید. بنابراین ارتباط فرهنگی و کنش تعاملی میان گروه‌های قومی تنها از طریق حضور فرهنگی برابر همه اقوام میسر می‌شود. وایلدافسکی در این خصوص مدلی ارائه می‌دهد که «مدل مربع» نامیده می‌شود. از دیدگاه وی، فرهنگ تمامی اقوام را می‌توان به چهار نوع طبقه‌بندی کرد که عبارتند از: فرهنگ سلسله مراتبی، فرهنگ فردگرا، فرهنگ تقدیرگرا و فرهنگ مساوات‌گرا (صحفی، ۱۳۸۰: ۱۰۸). سطح اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و نیز کارکردهای سیاسی واحدهای تقسیماتی درون کشوری تا حد زیادی تابع نوع دولت و نظام سیاسی سطح ملی است (Rennie Short, 1993). توسعه منطقه‌ای و سازماندهی سیاسی فضا، فرایند جامعی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد که هدف آن بهبود شرایط زندگی آحاد جامعه، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منافع و امکانات است (Attefeld, Barry, 94). توسعه منطقه‌ای در گروهی پیوند اندام وار اقدامات در دو سطح ملی و محلی در فضای واسط آنها که همان منطقه است، خواهد بود (صرافی، ۱۳۷۷). هدف این مقاله بررسی امکان سنجی شکل‌گیری سازمان سیاسی فضا جدید در قوه مقننه ایران است، این امر با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی و با بررسی مشکلات مربوط به توسعه و امنیت کشور، استفاده از تجارب سایر کشورها در سازماندهی قوه قانون‌گذاری و به همراه ارائه طرحی برای تشکیل مجالس منطقه‌ای در ایران صورت گرفته است.

روش تحقیق: شیوه گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش‌های کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی اعم از کتاب‌ها، متن قانون اساسی و سایر قوانین رسمی مرتبط با موضوع تحقیق، مجله‌ها و مقالات و رساله‌های دکتری و جستجو در بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی در ارتباط با چارچوب تحقیق می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش تحقیق تحلیلی - توصیفی - کتابخانه‌ای با رویکرد ساختاری - عملکردی می‌باشد.

سیر مراحل تدوین سازماندهی سیاسی فضا در قوه مقننه ایران

الگوی تقسیمات کشوری دوره‌های هخامنشیان تا قاجاریه عموماً در چارچوب حوزه قوه مجریه بوده است. در اواخر دوره قاجار این الگو را می‌توان معادل الگوی جدید (استان، شهرستان، بخش و دهستان) دانست (حافظ نیا،

۱۳۸۱: ۳۸۱). در دوره قاجاریه، مهمترین اقدام ایجاد رژیم مشروطه و پیش‌بینی ایجاد انجمن‌های ایالتی و ولایتی است که اداره امور داخلی واحدهای جغرافیایی را آسان می‌سازد (ودیعی، ۱۳۵۳: ۱۸۲). فکر ایجاد سیستم حکومتی غیر متمرکز به طور جدی از آغاز مشروطیت در فکر بانیان نهضت مزبور تجلی نمود (رضویان، ۱۳۷۴: ۸۰). در نخستین دوره تمرکززدایی (سال‌های ۱۲۸۵ ش. ۱۳۰۴ ش.) عمدتاً سه قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، «بلدیه» و تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام «در جهت توزیع قدرت سیاسی - اداری در بعد جغرافیایی و در راستای اختیارات به ایالات و ولایات مقرر و عملی شد (مدیر شانه چی، ۱۳۷۹: ۶۹-۸۳). رضا شاه در سال ۱۳۱۶ ش. قانون جدید تقسیمات کشوری را به تصویب رساند. این تقسیم‌بندی‌ها به هیچ عنوان بر تفاوت‌های قومیتی منطبق نبود و اقوام در استان‌های همجوار پراکنده شدند و آن سیاست دقیقاً در راستای تجزیه و انتشار اقوام و ایالات در نقاط مختلف و پرهیز از تمرکز آنان اعمال شد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۲۸۳).

- وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی، بر اساس اصول متعدد قانون اساسی در فصل ششم، دارای وظایف و اختیاراتی است که اهم آنها عبارتند از: (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳):

- ۱- وظیفه قانون‌گذاری برای مجلس شورای اسلامی در اصل ۷۱ قانون اساسی آمده است؛
- ۲- حق دادن طرح‌های قانونی و بررسی آنها و نیز حق بررسی لوایح دولتی در اصل ۷۴ قانون اساسی آمده است،
- ۳- و وضع آیین‌نامه داخلی مجلس برابر اصل ۱۶۵ قانون اساسی؛
- ۴- حق تصویب رجوع به همه‌پرسی در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. (اصل ۵۹)؛
- ۵- تصویب بودجه سالانه کشور که به صورت لایحه، از جانب دولت تهیه می‌گردد. (اصل ۵۲)؛
- ۶- دیوان محاسبات کشور با اختیارات نظارت و کنترل‌های مالی، زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. (اصل ۵۲ و ۵۳)؛
- ۷- حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور. (اصل ۷۶)؛
- ۸- تصویب عهدنامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی. (اصل ۷۷)؛
- ۹- هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. (اصل ۸۴)
- ۱۰- دادن رأی اعتماد به هیأت وزیران. (اصل ۸۷)؛
- ۱۱- حق سؤال ۴۱ نمایندگان از رئیس‌جمهور و حق سؤال هر یک از نمایندگان از وزرا درباره وظایف آنها. (اصل ۸۸).

- وظایف و اختیارات شورای نگهبان: شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین نهادهای حکومتی به شمار می‌آید. این نهاد شباهت زیادی با بعضی از نهادهای حافظ قانون اساسی در تعدادی از کشورها دارد. در قوانین اساسی برخی کشورها نیز نهادهایی به نام «دادگاه قانون اساسی»، «شورای قانون اساسی»، «دیوان قانون اساسی» و نظایر آن پیش‌بینی شده است. شورای نگهبان وظیفه دارد تمام مصوبات مجلس را از حیث عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی بررسی کرده تا در صورت عدم مغایرت،

مصوبه مجلس، صورت قانونی به خود گیرد. علاوه بر این نقش برجسته، شورای نگهبان مأموریت نظارت بر انتخابات را داشته و مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی نیز به شمار می‌آید. به استناد مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علت اصلی پیش بینی نهاد شورای نگهبان، دو مسئله حراست و نگهداری از «احکام اسلام» و صیانت از «قانون اساسی» بوده است. (اصل ۹۱ قانون اساسی) آمده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای شورای نگهبان وظایف متعددی را بر شمرده است. عمده این وظایف به طور مشترک بر عهده فقها و حقوق دانان است و تعدادی دیگر، وظایف اختصاصی فقها می‌باشد. از میان مجموعه وظایف شورای نگهبان، سه مورد «نظارت بر قانون گذاری»، «تفسیر قانون اساسی» و «نظارت بر انتخابات» دارای اهمیت بسیاری هستند (سایت شورای نگهبان).

جایگاه شوراها در قانون اساسی:

- ۱- بر طبق اصل هفتم: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند،
- ۲- بر طبق اصل یکصدم: برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان، یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، یا استان صورت می‌گیرد، که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.
- ۳- اصل یکصد و یکم: به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود.
- ۴- اصل یکصد و دوم: شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد،
- ۵- اصل یکصد و سوم: استانداران، فرمانداران، و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها هستند،
- ۷- اصل هفتم قانون اساسی صراحت دارد که شوراهای اسلامی کشور یکی از ارگانهای تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. و اگرچه به لحاظ تصمیمات سازمانی و اداری کشور دارای وظایف خاص خود هستند،
- ۸- همچنین با ملاحظه اصل یکصدم قانون اساسی به نظر می‌رسد که منظور قانون گذار از وضع اصل یکصدم توزیع قدرت در نظامهای اجتماعی، امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی و ... است. اگرچه مستقیماً سیاسی نیستند و اصولاً جدای از امور سیاسی محسوب می‌شوند، اما دارای کارکردهای سیاسی نیز می‌تواند باشد. به ویژه از آن جهت که این بخش‌ها به وجود آورنده طیف خاصی هستند که در فرآیند اقتدار سیاسی، به عنوان منابع قدرت شناخته می‌شوند. قانون اساسی با واگذاری این دسته از امور و فعالیت‌های اجتماعی به شوراها سعی کرده است تمرکز منابع قدرت در دست عده خاص نباشد.

مقایسه مجلس شورای اسلامی بامدل‌های مجالس قانون‌گذاری:

۱- مقایسه و تطبیق با مدل تک مجلسی: نظام قانون‌گذاری یک مجلسی عموماً "در کشورهای یک پارچه که از نظر سرزمینی کوچک و کم جمعیت هستند، رایج است. در نظام یک مجلسی مردم به طور یکسان و با حقوق اجتماعی برابر در انتخابات عمومی شرکت می‌کنند و نمایندگان خود را به مجلس می‌فرستند. این مجلس مظهر اراده ملی است. در این نظام اراده حاکم از طریق این ارکان واحد که با وضع قوانین و مقررات و تعیین خط و مشی کشور ظهور می‌کند، برقرار می‌گردد و اراده‌ی همه ملت محسوب می‌گردد. اینگونه مصوبات نیازمند تصحیح و تغییر توسط نهاد و مجلس دیگری نیست. کشورهایی که در آن وحدت جماعت وجود ندارد و گروه‌های اجتماعی در غالب دین، زبان، قومیت متنوع هستند یا از گستردگی سرزمینی برخوردارند (مثل ایالت متحده آمریکا) و یا قایل به گروه‌های ممتاز اجتماعی مثل اعیان و اشراف، در بار و روحانیون مذهبی هستند، نظام دو مجلسی را برگزیده‌اند (قاضی، ۱۳۷۵). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچه در اصول ۴۲-۱۹ از فصل سوم قانون اساسی مطرح گردیده است، تساوی حقوق سیاسی، اجتماعی برای همه افراد ملت است و به استناد این اصول و به منظور تحقق اراده همه افراد ملت، قوه مقننه جمهوری اسلامی با یک مجلس تحت نام مجلس شورای اسلامی (مجلس نمایندگان) تدوین و طراحی شده است. این در حالی است که، در صورتی می‌توان قوه مقننه جمهوری اسلامی را از نوع یک مجلسی بدانیم که این مجلس اراده همگون و هموار همه شهروندان را به طور یکسان محقق سازد و اراده‌ای فوق اراده آن و حتی به موازات آن وجود نداشته باشد. در قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران، نهادهای موازی و نظارتی بر مجلس قانون‌گذاری وجود دارند که اراده آنان فوق اراده مجلس است. نهاد رهبری می‌تواند به موازات مجلس شورای اسلامی احکام حکومتی صادر نماید که همانند مصوبات مجلس لازم الاجرا است. شورای نگهبان متشکل از ۱۲ نفر فقیه و حقوقدان می‌تواند با عدم تصویب نهایی مصوبات مجلس اجرای آن را متوقف نماید و برای اصلاح و تغییر به مجلس ارجاع نمایند. و از این نظر مثل مجلس سنا عمل می‌نماید. مجمع تشخیص مصلحت نظام که موظف است اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان را بررسی و با تغییر و اصلاح و یا تایید مصوبات مجلس، نظر شورای نگهبان و مجلس را تامین می‌نماید، در واقع با تغییر و اصلاح مصوبات مجلس این مجمع به موازات مجلس اقدام به قانون‌گذاری می‌نماید. با توجه به مطالب مطروحه فوق ملاحظه می‌گردد که قوه مقننه جمهوری اسلامی عملاً "اختیارات و خصوصیات قوه مقننه یک مجلسی را ندارد، و اطلاق نظام یک مجلسی برای قوه مقننه ایران نمی‌تواند صحیح باشد.

۲- مقایسه و تطبیق با مدل دو مجلسی: قوه مقننه دو مجلسی دارای دو مرکز تصمیم‌گیری برای وضع قانون و مقررات در کشور است. این دو مرکز اغلب تحت عنوان مجلس پائینی و بالایی است. مجلس پائینی با نام‌های مجلس نمایندگان، مجلس عوام و سفلی نامیده می‌شود و مجلس بالایی با عناوین مجلس اعیان، سنا، فدارل، مجالس عالی یا علیا نام‌گذاری شده‌اند. ترتیب قوه مقننه دو مجلسی بر دو پایه و اساس قرار دارد. الف - وسعت سرزمینی، وسعت گروه‌های اجتماعی، اقوام، ادیان، زبان، نژاد و ... مثل مجالس کشورهای ایالات متحده آمریکا و هندوستان. ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و سنتی جوامع مختلف نشان‌دهنده این است که در این جوامع، گروه‌های اجتماعی اعیان و اشراف، دربار، روحانیون، روسای ایلات و اقوام، نجبا و غیره وجود دارد که برای اثر گذاری آنها در نظام

برنامه‌ریزی کشور، الگویی از نظام دو مجلس را برای نظام‌های قانون‌گذاری تعیین نموده‌اند. نظام قانون‌گذاری فدرالیسم: بنیان‌گذار این مدل از نظام دو مجلسی ایالات متحده آمریکا است در نظام فدرالی و یا در دولت کشورهای بزرگ که هم از حیث وسعت و هم از حیث جمعیت وسیع هستند، قوه مقننه دو مجلسی را برای خود تدارک دیده‌اند، کشور به ایالات و بخش‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است و عموماً در هر بخش ترکیب خاصی از جمعیت متمرکز شده است. مثلاً در هندوستان بعضی از ایالات اکثریت مسلمان نشین و یا هندو هستند. در مجالس پایینی یا نمایندگان هر ایالات به نسبت جمعیت خود نمایندگانی را انتخاب می‌کند و برای مجلس بالایی یا مجلس سنا کلیه ایالات چه کوچک و چه بزرگ بطور مساوی نمایندگانی در مجلس بالایی دارند. ترتیب دو مجلس در چنین نظام‌هایی به منظور برقراری تعادل بین بخش‌های بزرگ و پرجمعیت و کوچک و کم جمعیت است. در این الگو مجلس پایینی نماینده همه افراد ملت را دارد و از اختیارات وسیع‌تری برخوردار است. مجلس بالایی نمایندگی گروه‌های مختلف اجتماعی را دارد و عموماً از اختیارات کمتری برخوردار است. اما از لحاظ خرد و تجربه، با تجربه‌تر از نمایندگان مجلس پایینی هستند. این مجلس به عنوان خرد قوه مقننه محسوب می‌گردد. ترتیب دیگر نظام دو مجلس بر اساس زمینه‌های تاریخی و فرهنگی برخی از جوامع است که گروه‌های اجتماعی متمایزی در آن به رسمیت شناخته شده است. این ترتیب برای اولین بار در انگلستان بوجود آمده است. اساس نظام دو مجلس در این کشور، نیاز نظام سیاسی انگلستان به هر دو طبقه اشراف و عوام بوده است. در این ترتیب از نظام دو مجلسی نیز بخش اصلی اختیارات قوه مقننه با مجلس عوام یا نمایندگان که نمایندگی همه ملت را عهده‌دار است می‌باشد و مجلس اشراف یا روسا به ندرت از اختیارات قانون‌گذاری استفاده می‌کند. بلکه به عنوان یک نهاد تکمیلی در قوه مقننه هستند. مکانیسم حاکم بر روابط بین دو مجلس به گونه‌ای است که هر گاه دو مجلس در جریان قانون‌گذاری دخالت داشته باشند، قوه مقننه شیوه‌هایی را تدارک دیده است که انواع مختلف لوایح که از سوی دو مجلس تصویب می‌گردد، با یکدیگر تطابق پیدا نماید. در این سیستم لوایح به هر دو مجلس که مجتمعا "نمایندگی حوزه‌های گوناگون و گروه‌های مختلف اجتماعی را عهده‌دار هستند فرستاده می‌شود و باید از تصویب هر دو مجلس بگذرد. به عبارتی در سیستم مقننه دو مجلسی معمولاً "مکانیزم حاکم بر روابط بین دو مجلس و روابط بین قوای حاکم به گونه‌ای تنظیم شده است که به دلیل اهرم‌های متقابل که هر یک از دو مجلس و حتی سایر قوا در اختیار دارند از اعمال نظر بر خلاف اراده‌ی عمومی انتخاب‌کنندگان اجتناب می‌کنند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ به لحاظ ماهیت اسلامی نظام، نهاد روحانیت را به عنوان یک گروه ممتاز معرفی کرده است که وظیفه پاسداری از شرع مقدس و ماهیت اسلامی را عهده‌دار هستند (پورخاقان ...). اگر چه اختیار وضع قوانین با مجلس شورای اسلامی است. اما به لحاظ تغییر و اصلاح مصوبات مجلس توسط نهادهای دیگر می‌توان اظهار کرد که جمعا "اقدام به قانون‌گذاری می‌نمایند. از آنجا که نهادهای نظارتی و موازی مجلس شورای اسلامی به صورت اراده‌ای به موازات مجلس شورای اسلامی و حتی فوق اراده‌ی مجلس در روند قانون‌گذاری تاثیر گذار هستند، می‌توان مجموعه نهادهای مذکور را به عنوان مجلس دوم فرض و از این جهت قوه مقننه را دو یا چند مجلسی قلمداد کرد (نگارنده). اگر چه نهادهای نظارتی، کمکی و موازی مجلس بسان مجلس دوم در روند قانون‌گذاری تاثیرگذار هستند. اما از نظر مکانیزم حاکم بر روابط میان دو مجلس نمی‌توان قوه مقننه جمهوری اسلامی را دو

مجلسی قلمداد نمود. در مبحث مکانیسم روابط میان دو مجلس در قوای مقننه دو مجلس به گونه‌ای است که هر یک از مجالس به دلیل اهرم‌های قانونی که در اختیار دارند، قادرند بر مجلس دیگر تاثیر گذار باشند. هر دو مجلس ناظر بر دیگری هستند. در سیستم گهواره‌ای یا شاتل لویح جهت تصویب نهایی باید از تصویب هر دو مجلس بگذرد و در صورت اختلاف، لایحه مورد نظر آنقدر میان دو مجلس رد و بدل می‌شود تا نظر نمایندگان هر دو مجلس تامین شود. به لحاظ اینکه هر دو مجلس از اختیارات و اهرم‌های متقابلی در برابر یکدیگر برخوردارند هیچگاه یک مجلس نمی‌تواند مجلس دیگر را تسلیم اراده خود کند. مگر اینکه توافق بین نمایندگان هر دو مجلس حاصل گردد.

۳- مورد خاص: قوهی مقننه جمهوری اسلامی ایران مدل خاصی از قانون‌گذاری است که با هیچ کدام از الگوهای قوای مقننه یک یا دو مجلس تطابق ندارد. این مدل خاص بر گرفته از یک ایدئولوژی مذهبی است که بر اساس آن حاکمیت از آن خداست، این حق الهی به شکل رسالتی به پیامبر خدا، امام معصوم و در غیاب امام معصوم با شرایط ویژه برای ولی فقیه پیش بینی گردیده است. قانون‌گذاری که بخشی از این اراده الهی است به گروه ممتاز و نخبه‌ای که توان استنباط از احکام الهی را دارند واگذار شده است. اراده این گروه ممتاز در سیستم قانون‌گذاری ایران در غالب اختیارات مقام رهبری، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، ظهور و بروز پیدا می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی حاکمیت از آن مردم تعیین گردیده است. و در پی آن بخشی از اصول قانون اساسی به حقوق ملت اختصاص یافته است. این حقوق مردم در یک سیستم انتخاباتی اقدام به انتخاب نمایندگانی برای مجلس شورای اسلامی می‌کند. بر اساس اصول مندرج در قانون اساسی، نهاد های نظارتی، کمکی، مشورتی و نظارتی بر کار مجلس و مصوبات آن نظارت و تاثیرگذار هستند. شدت اختیار و اراده این نهادها به ویژه نهاد شورای نگهبان به حدی است که کلیه عملیات قانون‌گذاری از مرحله نامزدی انتخابات و شرایط نامزد شدن، تایید صلاحیت نامزدان انتخاباتی، اجرای انتخابات و تایید مصوبات مجلس را در بر می‌گیرد. علاوه بر اختیار گسترده‌ای که نهاد های نظارتی در قوه مقننه دارند، نحوه این انتخابات به گونه‌ای است که در هیچ یک از الگوهای تفکیک قوای حکومتی متداول نیست. سیستم نظارتی بر کار مجلس شورای اسلامی یک سیستم عمودی از بالا به پایین است و مجلس در برابر این اراده هیچگونه ابزار قانونی و سیستماتیک در اختیار ندارد (پور خاقان، ۱).

مشکلات سیستم قانون‌گذاری در سیستم قانون‌گذاری ایران :

۱- عدم استحکام و انبوهی قوانین: پروسه قانون‌گذاری در کشور از قبل از انقلاب اسلامی، تاکنون دچار اشکالاتی بوده است. در قانون اساسی قوای سه گانه تفکیک شدند و در عین حالی که در امور مرتبط به خود استقلال دارند ولی در واقع از طریق رهبری مشروعیت پیدا می‌کنند. چرا که رئیس جمهور با تنفیض حکم، قوانین مجلس با تایید شورای نگهبان و رئیس قوه قضاییه مستقیماً منصوب رهبری هستند، لذا همه از طرف ولی فقیه، تایید، نظارت و نصب می‌شوند. با وجود این که بیش از ۱۰۰ سال از قانون‌گذاری در کشور ایران می‌گذرد، اما هنوز قانون‌گذاری در کشور از بلوغ کافی برخوردار نیست و هنوز ما با چالش‌های جدی در عرصه قانون‌گذاری مواجه هستیم. از جمله این چالش‌ها این است که می‌توان به انبوه قوانین متراکم و گاهی متضاد و متناقض اشاره کرد که به

خاطر کثرت این قوانین، قوه قضاییه و مجریه را بامشکل جدی مواجه کرده است. از جمله چالش‌های دیگر، این است که برخی قوانین با گذشت زمان به طور کامل کارایی خودشان را از دست داده اند، اما همچنان وجود دارند.

۲- روند قانون گذاری کند است: به دلیل عدم وجود احزاب موثر و برقراری حاکمیت سلاقی فکری، فرهنگی و سیاسی مختلف در کشور، بعضی طرح‌ها و لوایح در مجلسی بررسی و تصویب می شود، اما با شروع بکار مجلس بعدی، نمایندگان مجلس می‌خواهند سلاقی خود را اعمال کند. به همین علت فرصت زیادی از نمایندگان تلف می‌شود و قانون از مجلسی به مجلس دیگر می‌رود. همین امر سبب می شود که روند قانون‌گذاری کند و آهسته پیش برود. نکته دیگر این است که با وجود آن که، ساعت کار مجلس به نسبت بسیاری از مجالس کشورهای دنیا، بیشتر است، اما باز هم در طول ماه، مجلس فقط ۱۲ تا نصف روز به قانون گذاری مشغول است. نمایندگان در روزهای دیگر هفته مشغول نظارت و ارزیابی سازمان‌ها، شرکت در کمیسیون‌ها و بازدید از حوزه‌های انتخابیه خود هستند.

۳- ماهیت نمایندگی نمایندگان: هر نماینده مجلس شورای اسلامی همزمان در دو نقش در مجلس شورای اسلامی انجام وظیفه می‌نماید اول نمایندگی مجلس شورای اسلامی که به طبع آن باید ضمن مشارکت فعال در روند بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح تقدیمی دولت به وظایف شرکت در کمیسیون‌های داخلی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی نیز اهتمام بورزند و از طرف دیگر به عنوان نماینده منتخبین حوزه انتخابیه می‌بایستی ضمن حضور مداوم در حوزه انتخابیه، ضمن تداوم ارتباط موثر با مردم حوزه انتخابیه، نسبت به بررسی خواسته‌ها و مشکلات آنها نیز اهتمام ورزیده و پیگیر خواسته‌های آنها از مقامات دولتی و طرح‌ها در مجلس شورای اسلامی می‌باشند. نکته‌ای که در مورد عملکرد نمایندگان می‌توان مطرح کرد این است که برخی از نمایندگان مصالح و منافع منطقه‌ای را بر مصالح و منافع ملی ترجیح می‌دهند. در حال حاضر وقت زیادی از نمایندگان، صرف پیگیری مسائل جزئی محلی و مطالبات منطقه‌ای می‌شود. در حالی که اصولاً نمایندگان در مقام نماینده مجلس، باید مصالح و منافع ملی را در نظر بگیرند و خود را نماینده کل ملت بدانند و در جهت کلان کشور گام بردارند. همین امر سبب شده که چند برابر امکانات و بودجه کشور، صرف پروژه‌های جدید با رویکرد غیر ملی گردد.

۴- روند انتخاب نمایندگان در کمیسیون‌های تخصصی: در حال حاضر نمایندگان مجلس جهت حضور در کمیسیون‌ها نیاز به داشتن تخصص خاصی نمی‌باشند و به دلیل روش برگزاری انتخابات و شرایط نمایندگی، همیشه فقط بخشی از افراد تخصص کافی جهت عضویت در کمیسیون‌های تخصصی را دارند. و جهت تکمیل بقیه اعضای کمیسیون و با انتخاب هیئت رئیسه مجلس از سایر نمایندگان استفاده می‌گردد. (آئین نامه داخلی مجلس).

۵- عدم آشنایی نمایندگان دوره اول نمایندگی با فرایندها و وظایف نمایندگی: با توجه به شرایط لازم جهت کاندیدا شدن داوطلبان و عدم وجود شرایط تجربه نمایندگی در مجالس پائین دستی، نمایندگان در دوره اول نمایندگی، به دلیل عدم تجربه در سیستم قانون‌گذاری، بایستی با صرف وقت و شرکت در جلسات مختلف با فرآیندهای داخلی و شیوه کار قانون گذاری در کمیسیون‌ها و صحن علنی آشنا شده و ضمن تسلط کافی بر آئین‌نامه داخلی مجلس با وظایف نمایندگی نیز آشنا گردند.

۶- عدم نظارت مجلس و شورای نگهبان بر مصوبات شوراهای اسلامی شهرها: مطابق اصول ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون اساسی، شوراها از مراکز تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند. به موجب اصل ۱۰۵،

مصوبات شوراها نباید مغایر با موازین اسلامی و قوانین کشور باشد. در قانون اساسی نصی در خصوص نظارت مجلس و شورای نگهبان بر مصوبات شورای اسلامی شهرها مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد مرجعی که اظهار نظر در خصوص مصوبات شوراها است، با شورای نگهبان است؛ زیرا در اصل ۴ قانون اساسی، تشخیص انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلام را به شورای نگهبان موكول کرده است. بی‌گمان، مصوبات شوراها نیز جزئی از مقررات کشور محسوب می‌گردد. بنابراین، از اصل ۴ فهمیده می‌شود که نظارت شرعی بر مصوبات شوراها، نیز با شورای نگهبان است.

۷- تداخل وظایف قوا در بررسی و تنقیح مصوبات شوراهای اسلامی شهرها توسط فرمانداری‌ها: براساس اصل قوا، قوای سه‌گانه در ایران ضمن داشتن حق نظارت بر یکدیگر، مجاز به تداخل در وظایف یکدیگر نمی‌باشند. در حالی که بر اساس قانون عادی نحو تشکیل و وظایف شوراهای اسلامی شهرها و روستاها مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات شوراهای اسلامی شهرها جهت انطباق با قوانین و مقررات و تأیید و یا رد مصوبه، به فرمانداری و بخشداری‌ها ارجاع گردیده است. که این امر با نص صریح اصل تفکیک قوا در تضاد می‌باشد و از مصادیق دخالت قوه مجریه در وظایف قسمتی از سیستم قانون‌گذاری می‌باشد.

۸ - عدم واگذاری مدیریت شهری به شوراهای اسلامی شهرها و مدیریت شهری: بر اساس مصوبات برنامه پنج‌ساله چهارم و پنجم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی، دولت موظف گردیده است که آن دسته از وظایف و اختیارات که در صلاحیت و واگذاری به مدیریت شهری تعیین گردیده است را به همراه ساختار و اعتبارات مربوطه به مدیریت شهری واگذار نماید. این مصوبه با وجود گذشت بیش از ۱۰ سال از تصویب آن عملاً اجرا نگردیده است.

مجالس منطقه‌ای (ایالتی) الگوی مناسب برای سازماندهی سیاسی فضا در قوه مقننه:

نظام قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران مشابه نظام قانون‌گذاری تک‌مجلسی و یا دو مجلسی که عموماً در سایر کشورها متداول است، نمی‌باشد و به دلیل ضرورت انطباق مصوبات مجلس با احکام اسلامی از الگوی خاصی تبعیت می‌کند. در هم‌عرض آن مجالس نظارتی و تصمیم‌گیری دیگری از جمله شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... نیز وجود دارد. باتوجه به وضعیت فعلی سازماندهی سیاسی فضا در حوزه قانون‌گذاری و مشکلات فعلی در این سیستم از جمله ماهیت دو‌گانه نمایندگی، رویه انتخاب نمایندگان برای کمیسیون‌های تخصصی مجلس، عدم آشنایی نمایندگان جدید با روند قانون‌گذاری و عدم ساختار مناسب جهت نظارت بر مصوبات شوراهای اسلامی شهرها که برابر اصول قانون اساسی از وظایف شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی می‌باشد، سبب گردیده است که روند قانون‌گذاری کند و از استحکام لازم برخوردار نباشد. برای رفع محدودیت‌های مطرح شده و استفاده مناسب از ظرفیت‌های قانون اساسی و انجام تکالیف مقرر در خصوص تنقیح قوانین و مقررات توسط مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه)، برخورداری از مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و استفاده مناسب از منابع محلی و هدایت بودجه‌های ملی به طرح‌های مورد نیاز مردم و جذب و بکارگیری سرمایه‌های اجتماعی و مالی در جهت پیاده‌سازی توسعه پایدار و نظارت، نیاز به ایجاد و تاسیس مجالس

منطقه‌ای احساس می‌گردد. تا با شرایط و وظایف واگذار شده به ایفای نقش در جهت رفع محدودیت‌های فعلی و تقویت نهاد قانون‌گذاری در انجام مناسب وظایف باشد. ساختار زیر به عنوان مجالس منطقه‌ای (ایالتی) ارائه می‌گردد.



- ۱- شرایط و نحوه انتخاب نمایندگان مجالس منطقه‌ای (ایالتی): در هر منطقه به نسبت تعداد جمعیت منطقه و در سقف ۵۰ نفر نماینده منطقه‌ای با رای مستقیم مردم منطقه و برای مدت ۴ سال انتخاب گردد.
- ۲- وظایف مجلس منطقه‌ای:
 - الف - مجالس منطقه‌ای نقش نظارتی بر نحوه عملکرد بودجه ملی مصوب را بعهده دارند.
 - ب - مجالس منطقه‌ای در چارچوب مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز به برنامه ریزی محلی و تصویب بودجه محلی جهت استفاده از منابع محلی و جذب سرمایه سرمایه‌گذاران می‌باشد.
 - ج - مسائل و مشکلات استان‌ها در هر منطقه توسط مجالس منطقه‌ای رسیدگی می‌گردد.
 - د - مجالس منطقه‌ای در مسائل فرهنگی، اجتماعی و توسعه‌ای منطقه و بر اساس شرح وظایفی که بعهده می‌گیرد بحث می‌کنند.
 - ه - مجالس منطقه‌ای مشکلات آموزشی، بهداشتی، سیاسی و امنیتی را مورد بحث قرار می‌دهند.
 - و - بررسی مشکلات و نظارت بر عملکرد شوراهای اسلامی شهرها از طریق تحقیق و تفحص و یا تذکر و سؤال.
 - ز - مجالس منطقه‌ای در قانون‌گذاری در سطح ملی و دفاعی و امنیتی نقشی بعهده ندارند.

- ح- نظارت و تنقیح مصوبات شوراهای اسلامی شهرها.
- ط- نمایندگان مجالس منطقه‌ای پس از طی یک دوره کامل نمایندگی می‌توانند با رعایت قوانین دیگر، برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی کاندید شوند.
- ط - نمایندگان منطقه در مجلس شورای اسلامی طی برنامه مصوب، در مجالس منطقه‌ای حاضر شده و ضمن استماع مشکلات و نیازهای منطقه، گزارشی از عملکرد و مسائل و موضوعات مطرح در سطح ملی و بین‌المللی را ارائه می‌دهند.
- ی - با ایجاد پست وزیر مشاور در امور منطقه‌ای، مجلس منطقه‌ای می‌تواند از وزیر مشاور در امور منطقه‌ای و قائم مقام وزیر کشور در خصوص مسائل و مشکلات دستگاه‌های اجرایی در خواست حضور در جلسه رسمی و یا گزارش رسمی بخواهد.
- ک - دیوان محاسبات مستقر در منطقه موظف به ارائه یک نسخه از گزارشات تهیه شده به مجالس منطقه‌ای می‌باشند.
- ل - مشروح وظایف نمایندگان و کمیسیون‌های مربوطه توسط مجلس شورای اسلامی تعیین و ابلاغ می‌گردد.
- ۳ - محل تشکیل مجالس منطقه‌ای: محل تشکیل مجالس منطقه‌ای با تصویب نمایندگان مجلس منطقه‌ای و در یکی از شهرهای استان‌های زیر نظر یک منطقه تعیین می‌گردد و ضرورت ندارد که حتماً در مرکز منطقه یا استان واقع گردد.

منابع

- ۱- پورخاقان
- ۲- پور موسوی، سید موسی و دیگران (۱۳۸۷) سازماندهی سیاسی فضا و نواحی کارکردی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۲.
- ۳- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵) مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- ۴- صفی، سید محمد (۱۳۸۰) ژئوپلیتیک فرهنگی، مسئله امنیت ملی، نشر شمس، چاپ اول.
- ۵- صرافی، م (۱۳۷۷)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی. تهران .
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۷- عاملی، عاطفه (۱۳۸۲) تعیین مرکزیت واحدهای سیاسی و اداری بر اساس تحلیل همگنی شرایط اجتماعی و دسترسی‌ها با استفاده از سنجش از راه دور و GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری، جلد نخست: وضع موجود، تهران: انتشارات انجمن جغرافیایی ایران.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) فلسفه حقوق: تهران شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، جلد دوم.

- ۱۰- رضویان، محمد تقی (۱۳۷۴) تمرکززدای در کشورهای در حال توسعه در ایران، تهران: انتشارات شروین، چاپ اول.
- ۱۱- ر-ک (۱۳۶۴) اداره کل امور فرهنگی و روابط اسلامی، صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱ و ۲.
- ۱۲- فنی، ز (۱۳۷۵)، نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی خوزستان، تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۷.
- ۱۳- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵) حقوق سیاسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- ودیعی، کاظم (۱۳۵۳) مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۵- مانوئل کستلز (۱۹۷۷) کتاب مسائل شهری، ترجمه ...
- ۱۶- مدیر شانه چی، محسن (۱۳۷۹) تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی در تیران، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
- ۱۷- هدایت نیا، فرج ا... و کاویانی، محمدهادی (۱۳۸۰) بررسی فقهی - حقوقی شورای نگهبان، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۸- آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
- ۱۹- سایت مجلس شورای اسلامی
- ۲۰- سایت اطلاع رسانی شورای نگهبان - آشنایی با شورای نگهبان.
- ۲۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۲۲- قانون دیوان اداری کشور (۱۳۸۵)
- ۲۳- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳)
- ۲۴- وزارت کشور، طرح جامع تقسیمات کشوری (۱۳۷۸)، مرحله اول، گزارش تلفیق، دفتر کل تقسیمات کشوری. تهران
- 25- Short J. R 1993. An introduction to political Geography published by Routledge London and New York .
- 26- Attfield R and w Barry 1992. International Justice and The Third World London Routledge.
- 27- Abrahamson, K. ed. V, 1997. Paradigms of Sustainability in S. Sorlin., The Road towards sustainable Baltic Reigon, The University Programme, Uppsalla University. PP,30-35.
- 28- Attfield, R and w, Barry ,1992. International Justice and The Third World, London, Routledge.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی